لبیک امام
۷
جامعه ایمانی مشعر

برای هم بودن

گفتاری از حجت‌الاسلام محمدرضا فلاح شیروانی
پیرامون اندیشه پشتیبان
نهضت اسلامی - ایرانی مواسات



صحیفه ۶۲
سبک زندگی ۷، زمستان ۱۴۰۳

برای هم بودن
گفتاری از حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا فلاح شیروانی
پیرامون اندیشه پشتیبان نهضت اسلامی- ایرانی مواسات

ویرایش و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر
طراح جلد: علی ناصری
صفحه آرا: حسن ناصری
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.

جامعه ایمانی مشعر
قم. کد پستی: ۳۷۱۹۶ - ۱۵۶۴۷
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲
پایگاه اطلاع‌رسانی: www.۱۵۴۲.org
رایانامه: info@۱۵۴۲.org

بسم الله الرحمن الرحیم

پیش‌گفتار

در این نوشتار سه هدف را دنبال می‌کنیم:

۱ـ درکی عمیق‌تر و ملموس‌تر از «فرهنگ مواسات» که یک سنّت اسلامی است.

۲ـ دریافت جایگاه آن در «طرح راهبردی رهبری» که این طرح نیز یک فهم اسلامی معطوف به صحنه است و در بیانیه گام دوم منعکس شده است و اهتمام رهبری به آن است که همه ظرفیّت‌های در دسترس را در قالب این طرح به سمت مقاصد اسلامی هدایت نماید.

۳ـ پیشنهاد چهارچوب یک الگوی راهبردی برای «فرهنگ مواسات» که به عنوان یک مطلوب کلیدی قابلیّت پیگیری مستمر دارد.

سیر بحث:

۱ـ اراده ملی: انقلاب اسلامی که نظامی را برآورده، حقیقتش قیام مردم و وابسته به اراده آنان است.

۲ـ هویّت شیعی: این اراده از هویّت شیعی ایران اسلامی تغذیه کرده است و می‌کند.

۳ـ اثاره هویّت شیعی: وظیفه راهبردی ما شناسایی این هویّت شیعی و سرمایه‌گذاری بر برانگیختن آن است.

۴ـ آتش به اختیاری: دعوت به آتش به اختیاری نافی نظام اسـلامی نیسـت و در اصل دعوت به قیام است که همان حقیقت انقلاب است.
۵ـ نظام انقلابی: ایران اسلامی مشغول زایش یک نظام سیاسی مبتنی بر اراده مردم است.
۶ـ گفتمان پیشرفت: پیشرفت اسلامی ـ ایرانی نیازمند الگویی کلان و فراگیر شدن گفتمان پیشرفت است.
۷ـ مفاد بیانیه: مفاد بیانیه نیز «قیام جوانان برای ساختن کشور» است.
۸ـ وظیفه نخبگانی: نخبگان وظیفه تبیین این دعوت را دارند.
۹ـ دولت‌سازی اسلامی: نقش این دعوت در تحقق مردم‌سالاری و تشکیل دولت اسلامی.
۱۰ـ طرح مواسات: نمونه‌ای از این قیام و یک سنّت اسلامی.
۱۱ـ مواسات پرتو اخوّت ایمانی: ایده پایه در معماری جامعه اسلامی «اخوّت ایمانی» است و مواسات پرتوی از آن است.
۱۲ـ خانواده‌محوری: نقش زنان و خانواده در پیگیری این عزم بزرگ بسیار زیاد و کلیدی است.
۱۳ـ خانواده جهادگران: می‌توان نقطه تمرکز را بر خانواده جهادگران گذاشت.
۱۴ـ توسعه در معنا و مصادیق مواسات: مواسات می‌تواند در عرصه های بی‌شمار و متنوعی، بسیار فراتر از عرصه‌هایی که تا کنون شناخته‌ایم و به آن مشغول شده‌ایم، ظاهر شود و بدرخشد و چون معیار و منطقی فطری و عزیز، تمام حوزه‌های خرد و کلان برنامه‌ریزی و عمل را در فضای سیاسی و امنیتی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و آموزشی، داخلی و بین‌المللی تحت تأثیر قرار دهد.



مقدمه

اراده حقیقی مؤمن در هر عملی، فردی یا اجتماعی، معطوف به تقرب الی‌الله و جلب توجه و رضایت خدای متعال است و این هدف الهی است که در قالب عمل صالح او را به وادی نور و سرور و رضایت و لذت و آرامش می‌رساند. سابقه بشر، سابقه تلاشی بی‌شمار از پهن کردن دام و دانه برای صید پرنده خوشبختی است، امّا تلاشی متلاشی، کور و بی‌فرجام و بدسرانجام. سرکنگبین اصلاحی او مدام به غلیان صفرا انجامیده و هر چه دویده کمتر به نتیجه رسیده است. زیرا یک به هزار از آن همه تلاش برای تحقق خوشبختی را، صرف فهم انسان و خوشبختی او نکرده است.

هویت حقیقی تکوینی انسان، هویت ربط به خداوند سبحان است، انسان نه یک ذات تشنه، نه یک موجود وابسته، بلکه عین وابستگی و تشنگی به خداوند است و معنایی به جز اتصال به مبدأ هستی ندارد، پرتویی از منبع نور که تمام دارایی نوری‌اش اتصال به مبدأ نور است.
چه اعمال به ظاهر خوب و بلند، چه اعمال اصلاحی و انقلابی که برای فاعلش جز غرور و اعجاب، تکبر و نخوت به بار نیاورده است. چه اعمال به ظاهر خوب و ایمانی که به انواع رقابت‌ها و حسادت‌ها، تخریب‌ها و تحقیرها آلوده شده است.
حال اگر رهبر الهی این انقلاب ما را به مواسات فرا خوانده‌اند، اگر آن را به مثابه رزمایشی برای اعتلا و اقتدار ایران اسلامی و نجاتی برای محرومان و مستضعفان و راهی به سوی اخوت و وحدت میان مردمان مطرح ساخته‌اند؛ ضروری است که جایگاه این دعوت را چنان سایر دعوت‌های این امام هدایت، در دستگاه و منظومه فکری و اعتقادی ایشان بیابیم.
از دیدگاه ناب اسلامی ایشان هر عملی، ریز یا درشت به میزانی که اتصال و ارتباط با خداوند را هدف گرفته باشد، به میزانی که عبودیت و بندگی خدای متعال را پیروی کرده باشد، حقیقی، ارزشمند و اثرگذار است. ما خدا را می‌خواهیم، ما رضایت خدا را می‌جوییم، ما لقاء او را مشتاقیم، حال یک روز به مواسات و خدمت به مردم، یک روز به مبارزه با داعش امریکایی در دفاع از حرم آل رسول، روزی به دفاع از امنیت نوامیس مسلمین، باری به تولید دانش هسته‌ای و دیگر روز به تبیین اندیشه اسلامی یا بصیرت‌افزایی در میان مردم.
این‌ها نه هدف که راه‌ها و وسیله‌های حرکت‌اند. هدف، آن هدفی که جان ما را سرشار و عطش ما را سیراب می‌کند، آن مقصدی که رضایت و آرامش و لذت و سرور برای ما به ارمغان می‌آورد، کسب محبت و توجه و رضایت الهی است.

نکته ۱: قیام مردم؛ حقیقت انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی حقیقتی جز قیام مردم برای خدا ندارد؛ یعنی آن بخشی که انقلاب اسلامی را پدیده‌ای عزیز و ماندگار و نیرومند کرده این عنصر است و امور دیگری که تصور می‌شود عناصر قدرتمندی نیستند و باز یعنی حقیقت انقلاب اسلامی «**اراده ملی متفاوت مردم ایران**» است.

به عبارت دیگر حقیقت انقلاب اسلامی چیزی جز بندگی و عبودیت نیست و بندگی و عبودیت یعنی با تمام جان به یکتا موعظه الهی گوش سپرده شود:

«قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَ فُرَادَى»[1]

به واسطه پیروی از همین آموزه نورانی بود که انقلاب اسلامی به ثمر نشست و طومار حکومت‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در هم پیچیده شد.

رهبر معظم انقلاب درباره اراده ملی و نقش و جایگاه آن در بیانیه گام دوم می‌فرمایند:

«انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار به‌شدّت تحقیر شده و به‌شدّت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛

---

۱. سبأ، آیه ۳۶.

در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده ملّی را که جان‌مایه پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریّت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه مدیریّت کرد؛ روحیه و باور «ما می‌توانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتّکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد.»[1]

این امر مهم که عنصر اراده در کانون توجهات مدیریتی قرار گرفته و به عنوان مرکز ثقلی برای پیشبرد نهضت به سوی آرمان و مقاصد آن مطرح شده تنها و تنها ابتکار انقلاب اسلامی است.

حضرت امام﵀ نیز می‌فرمودند:

«بعضی از مشایخ ما، أطال اللّه عمره، می‌فرمودند که «عزم» جوهره انسانیت و میزان امتیاز انسان است.»[2]

«شیخ بزرگوار، شاه‌آبادی، روحی فداه آن(عزم) را مغز انسانیّت تعبیر می‌کردند.»[3]

«هر امر مشکلی با اقدام و تصمیم عزم آسان شود. قوه اراده و عزم به هر امر صعب مشکلی حکومت دارد و هر راه طولانی سنگلاخی را نزدیك و سهل کند.»[4]

وقتی جامعه‌ای عزم و اراده به داشتن چیزی نموده باشد، قدرت و اقتدار ویژه‌ای به میدان حیات اجتماعی قدم خواهد گذاشت. اینجاست که جامعه به سرعت به سویی حرکت خواهد کرد و همه را

---

۱. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، بند دوم.
۲. شرح چهل حدیث، ص۷.
۳. آداب الصلوة(آداب نماز)، ص۵۲.
۴. شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص۲۵۴.

همراه خود خواهد کشید.[1] عنصر اراده مردم یکی از عناصر اقتدار هر جامعه بشـری اسـت که انقلاب اسلامی به آن توجه نمود.

«در دنیا یک جنگ عظیم و یک چالش بزرگ برپاست؛ جنگ توپ و تفنگ نیست، اما جنگ اراده‌ها و عزم‌ها و سیاست‌ها و تدبیرهاست.»[2]

به همین جهت مسئله اصلی رهبران این نهضت بزرگ، عزم و اراده ملت انقلابی ماست و نگرانی اصلی مربوط به تضعیف یا تغییر آن است.

«وقتی یک ملت بیدار شـد، وقتی یک ملت ارزش عزم و اراده‌ی خودش را فهمید، وقتی یـک ملت دانسـت کـه اگر بخواهد و تصمیم بگیرد و عمل بکند، هیچ قدرتی در مقابل او نمی‌تواند بایسـتد، با یک چنین ملتی دیگر نمی‌شـود درافتاد. ممکن اسـت هزینه‌هائی را بر این ملت تحمیل کنند؛ اما تسـلط بر آن ملت دیگر ممکن نیسـت؛ به بردگی کشـیدن

---

۱. «این را قرآن مکرّر بیان کرده است؛ حوادث تاریخی، آن را تبیین و اثبات کرده است؛ ولی بسیاری از ملت‌ها از این حقیقت غافلند و چون غافلند، عقب می‌مانند؛ مقهور قدرت‌های استکباری عالم می‌شوند؛ از نیرویی که در اختیار آن‌هاست، از امکان و ظرفیتی که متعلّق به آن‌هاست، درست استفاده نمی‌کنند؛ قدرتمندان عالم هم از این غفلت سوءاستفاده می‌کنند و فرمان می‌رانند و مقاصد حیوانی و شهوانی و شخصی خودشان را پیش می‌برند.» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در اجتماع بزرگ عزاداران در صحن مطهر امام خمینی ره، ۱۳۷۹/۳/۱۴)

۲. «در دنیا یک جنگ عظیم و یک چالش بزرگ برپاست؛ جنگ توپ و تفنگ نیست، اما جنگ اراده‌ها و عزم‌ها و سیاست‌ها و تدبیرهاست. ایران در کجای این جنگ است؟ ایران در جبهه‌ای از این جنگ در مرکز فرماندهی قرار دارد که افراد آن جبهه را ملت‌ها تشکیل می‌دهند... اتاق فرماندهی این طرف این جبهه، ایران است: ایران حزب‌اللّهیِ پُر از عزم و همت، اما با دست خالی... دست این طرف ـ از لحاظ عُدّه ظاهری و پشتیبانی‌های ظاهری؛ یعنی پول و سلاح و این‌ها ـ خالی است؛ اما در عین حال دنیا وقتی نگاه می‌کند، این دو کفه را برابر و در یک جاهائی کفه همین نیروی حزب‌اللّهی را سنگین‌تر می‌بیند. چرا سنگین‌تر می‌بیند؟ مگر ما چه داریم؟ همان احساس حضور! حضور! ما ملتی داریم که با انقلاب اخت است؛ گره خورده است؛ جوشیده است. در بین این ملت که سطوح گوناگون و مختلفی دارند، روحیه‌ی جمع کثیری این است که هرجا و هر زمان و هرطور که لازم باشد، سینه‌شان را سپر می‌کنند و به وسط میدان می‌آیند. این نقطه‌ی قوّت ماست. این چگونه حاصل شده است؟ با موتور ایمان، با روحیه انقلاب، با انگیزه دین؛ این حقیقتی که دنیاداران او را نفهمیدند!»
(بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجوئی دانشگاههای سراسر کشور، ۱۳۸۶/۰۲/۳۱)

آن ملت دیگر ممکن نیست؛ تحمیل کردن عقاید خود و خواست خود بر آن ملت دیگر ممکن نیست. این را هنوز هم قدرتهای بزرگ نمی‌توانند بفهمند.»[1]

بـه همیـن دلیل به دنبال این اراده معجزه‌هـای اجتماعی بزرگی طی این چهار دهه اتفاق افتاده و در حال رخ دادن است. در منابع دینی به انسان‌ها وعده داده شده که اگر تغییری در خود بدهید، خداوند تغییرات خارج از دسترس شما را رقم خواهد زد:

«إِنَّ اللَّهَ لا يُغَيِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ»[2]

معمولاً تغییرها و حادثه‌های بزرگی که آرزوی بشر است، ولی بشر خود را دور از حوزه اثرگذاری روی آنها می‌بیند در محاسـبات او موجب خطاهای زیادی می‌شـود و همین جلوی اقدام درسـت و چه بسا تنها اقدام ممکن را می‌گیرد. این آیه به یک معنی آیه مستضعفین و مظلومان است؛ آیه‌ای است که به آنها امید تغییراتی بزرگ در حد یک معجزه را از رهگذر انجام تغییراتی که برای ایشان مقدور است، می‌دهد.[3] با توجه به این که عزم و اراده جوهره انسـانیت اسـت، این تغییر مهم و اثرگذار همان عوض شدن سمت و سوی عزم‌ها و اراده‌هاست.

باید افزود قوت عزم و اراده به معنای قوت این تغییر درونی نیز هست؛ یعنی قوت عزم و اراده گذشته از کارائی‌های ظاهری‌ای که دارد، آثار تکوینی عجیبی هم به همراه خود دارد و گویا با عمق و غنا گرفتن

---

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارکنان و فرماندهان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۸۷/۱۱/۱۹

۲. رعد، آیه ۱۱

۳. البته آیه دیگری نیز قریب به همین مضمون است که تذکری است برای مؤمنین به این که به‌هوش باشید همین قاعده باعث از دست دادن نعمتها می‌شود: «ذٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّراً نِعْمَةً أَنْعَمَها عَلى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ.» (انفال، ۵۳)

عزم و اراده در شاکله موانع و مشکلات پیش رو تأثیری معکوس گذاشته می‌شود.[1و2]

---

۱. «آیه معروفی است: «انَ اللّه لایغیّر ما بقوم حتّی یغیّروا ما بأنفسهم». تغییرات به دست شماست. کلید تحولات اجتماعی و تحولات عظیم در دست شماست؛ مضمون آیه این است. یك جای دیگر در یك دایره محدودتر می‌فرماید: «ذلك بأنّ اللّه لم یك مغیّرا نعمة أنعمها علی قوم حتّی یغیّروا ما بأنفسهم». این آیه، پسرفت را می گوید. خدای متعال پسرفت را نصیب هیچ کشوری نمی کند، مگر خودشان به دست خودشان بکنند. تغییرِ موجبِ پسرفت را خودِ ملتها به وجود می آورند. و شبیه این مضمون در آیات متعدد دیگری هم هست که مرجعش همین است.

خلاصه این‌ها چیست؟ خلاصه این‌ها این است که شما آحاد انسان، سررشته‌دار تحولات جامعه هستید؛ شما هستید که تحول و تغییر را ایجاد می کنید. عزم انسان، تعیین کننده است. بعضی ممکن است بگویند منظور از عزم انسان چیست؟ اراده چه کسی؟ اراده من یك نفر، توی یك نفر، اراده چه کسانی مؤثر است؟ این البته جزو بحثهای دامنه‌دار است، لکن من می‌خواهم فی‌الجمله عرض بکنم که عزم یکایك انسان‌ها در حد خودش تأثیر دارد؛ نه فقط در مسائل شخصی - که تأثیر تام دارد - بلکه در مسائل اجتماعی. ما اگر چنانچه آرزوهایمان، هوسهایمان، هواهای نفسانیمان در فعالیتهامان حاکم شوند و در رفتار ما، عقل کنار بیاید و محاسبه درست کنار زده شود، این کار در ایجاد یك سلسله تحولات منفی در جامعه تأثیر می گذارد. ... پس اراده شخصی افراد هم حتّی در تحولات اجتماعی، می‌تواند اثرگذار باشد ... این‌ها همان چیزهایی است که به دنبال خودش یك جریان عظیم، طولانی و تمام نشدنی از تحولات اجتماعی را- که پسرفت هست- به وجود می آورد. عکسش هم صادق است.»
(بیانات رهبر معظم انقلاب دیدار با دانشجویان، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸)

«نگاه به تاریخ باید ما را از سرنوشت عمومی ملتها و آحاد بشری آگاه کند؛ درس است، راه را نشان می‌دهد. این سرنوشت ملت‌هاست. سرگذشت تاریخ عمومی ملت‌هاست. ملتی که در روابط ظالمانه سیاسی جهان تحت ستم قرار گرفته است، یا می‌سوزد و می‌سازد؛ تحمل می کند، یا درصدد پاسخ بر می‌آید. ...

کشورهای اسلامی در این دو قرن اخیر، این راه را انتخاب کردند؛ راه سوختن و ساختن را؛ راه دم‌برنیاوردن را. در این شرایط کی مقصر است؟ روشن‌فکران مقصرند، علمای دین مقصرند، جوانان مورد نیاز و مورد امید آن جامعه مقصرند. سرنوشت این ملتها این می‌شود که شد. با آن میراث فرهنگی غنی، با آن سابقه درخشان سیاسی، کارشان به آنجا برسد که تمام کشورهای اسلامی تقریباً زیر سلطه استعمار بودند در این یکی دو قرن اخیر.

اما راه دوم، سرنوشت ملت را عوض می کند: «انَ اللّه لا یغیّر ما بقوم حتّی یغیّروا ما بانفسهم». انتخاب با خود ملت است. اگر در میان یك ملتی که این‌جور زیر ستم است، انسان‌های بزرگی پیدا شدند، آزادگانی پیدا شدند، علمای برجسته‌ی با شجاعت وارد میدان شدند، آحاد مردم حاضر شدند از لذتهای زودگذر و راحتهای حقیر روزمره‌ی زندگی صرف‌نظر کنند و مجاهدت کنند و دل به شهادت بدهند، می‌توانند خودشان را از این ذلتِ زیر سلطه بودن خارج کنند. این انتخابی بود که ملت ایران با انقلاب اسلامی کرد.

نقش اول متعلق به امام و امت است. پاسخ مثبت امام بزرگوار ما- این شخصیت بی‌نظیر و فراموش‌نشدنی تاریخ کشور ما- و پاسخ امت به امام در این حرکت، ورق را برگرداند؛ سیلی را خورده بودیم، متقابلاً سیلی زدیم.»
(بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان بسیجی، ۱۳۸۶/۰۸/۰۹)

۲. البته این گزاره، پشتوانه ای فلسفی عرفانی دارد و قائلند که وقتی حالت‌های نفسانی انسان تغییر می کند، خداوند آرایش محیطی را تغییر می دهد.

«معجزه‌های اجتماعی برخلاف معجزه اژدها شدنِ عصای موسی است؛ چون آن‌طور معجزه‌ها ربطی به اراده انسان ندارد؛ اما معجزه‌های اجتماعی به‌طور مستقیم به اراده انسان‌ها ارتباط پیدا می‌کند؛ «انّ اللّه لایغیّر ما بقوم حتّی یغیّروا ما بأنفسهم».»[1]

« «و لو قاتلکم الذین کفرو لولّوا الأدبار ثمّ لایجدون ولیّاً و لانصیراً سنة الله التی قدخلت من قبل و لن تجد لسنة الله تبدیلاً»[2] در این آیه‌ای که تلاوت کردم که یکی از آیات سوره فتح است، قرآن کریم برای مسلمانان مؤمنِ آن زمان، حقیقتی را بیان می‌فرماید؛ ... این اصل، هم در صدر اسلام مکرّر در مکرّر تجربه شد، هم در انقلاب اسلامی تجربه شد، هم در حوادث گوناگون دیگر تجربه شده است؛ توجه به آن برای ملت‌هایی مثل ملت ما حائز اهمیت است؛ ولی غالباً از چشم دور می‌ماند. نقش امام بزرگوار ما حضرت امام خمینی کبیر این بود که این حقیقت را ثابت کرد.

این حقیقت چیست؟ این حقیقت این است که نیروهای اثرگذار در تحوّلات اجتماعی و سیاسی، عبارت از چیزهایی است که به انسان‌ها برمی‌گردد؛ مربوط به نیروهای انسانی و اراده انسانی و ایمان انسانی است. طبق این اصل، آرایش قدرتها و نیروهای اثرگذار در تحوّلات اجتماعی، غیر از آن چیزی است که همیشه قدرت‌مداران و مستکبران عالم خواستند آن را نشان بدهند. قدرتمندان و مستکبران عالم این‌طور خواستند تفهیم و ثابت کنند که نتایج و تحولات بزرگ، به پول و زور و شمشیر و سلطه مطلقه و تبلیغات آن‌ها مربوط است؛ کار عالم در دست آن‌هاست؛ اختیارات تحولات بشری در پنجه‌های

---

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای بسیج و پرسنل اداره کلّ اطلاعات استان همدان، ۱۶/ ۰۴/ ۱۳۸۳
۲. فتح، آیه۲۲.

قدرت آن‌هاست؛ اما این اصل الهی ثابت می‌کند که بعکس؛ تحوّلات عالم، مسائل بزرگ بشری و انسانی، انقلاب‌های بزرگ، پیشرفت‌های بزرگ و حرکت‌های عظیم، هیچ کدام در دست قدرتمندان و زورمداران عالم نیست؛ در اختیار سلاح و پول و تبلیغات آن‌ها نیست اگرچه آن‌ها این‌طور وانمود کنند در اختیار عوامل دیگری است. همه این عوامل به اراده انسان‌ها، ایمان انسان‌ها، فداکاری انسان‌ها، حرکت انسان‌ها و تجمّع انسان‌ها برمی‌گردد که بر سرنوشت بشر می‌تواند حکومت کند؛ می‌تواند حوادث بزرگ را به وجود بیاورد.»[1]

به همین واسطه در این نگاه که نگاه مکتب سیاسی امام خمینی است، نقش مردم جدی بوده و اهتمام اصلی به حضور مردم داده می‌شود.

«مسئله اصلی ما، مسئله مردم است؛ حضور مردم، میل مردم، اراده مردم، عزم راسخ مردم. این را باید عرض کنیم؛ در همه تحولات و جنبش‌های گوناگون اجتماعی بزرگ، نقش مردم، نقش معیار است.»[2]

---

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در اجتماع بزرگ عزاداران در صحن مطهر امام خمینی رحمه‌الله، ۱۳۷۹/۳/۱۴

۲. مسئله اصلی ما، مسئله مردم است؛ حضور مردم، میل مردم، اراده مردم، عزم راسخ مردم. این را باید عرض کنیم؛ در همه تحولات و جنبش‌های گوناگون اجتماعی بزرگ، نقش مردم، نقش معیار است. یعنی گسترش یک تحول، گسترش یک فکر، گسترش نفوذ یک مصلح اجتماعی، وابسته به این است که با مردم چقدر ارتباط داشته باشد. هرچه ارتباط او و آن جریان و آن جنبش و آن تحول با مردم بیشتر باشد، امکان موفقیت او بیشتر است؛ اگر از مردم منقطع شد، دیری نخواهد پائید، کاری نخواهد کرد. البته در تاریخ کشور ما جابه‌جائی‌های قدرت، آمدن سلسله‌های سلاطین و رفتن آنها، به مردم ارتباطی نداشته است؛ لیکن همین سلسله‌های حکومتی و سلطنتی‌ای که در طول تاریخ ما وجود داشته‌اند، هر کدام از آنها که توانسته‌اند رابطه‌ی خودشان را با مردم به یک نحوی محکم و گرم و دوستانه کنند، پایداری‌شان، موفقیتشان در اداره کشور و در عزت ملی بیشتر بوده است؛ هر کدام، از مردم منقطع شدند، همه چیز را از دست دادند؛ که نمونه اتمّ آن، سلسله قاجار و سلسله منحوس پهلوی در این دوره‌های اخیر است.

ما یک تجربه مشروطیت را داریم در دوران نزدیک خودمان، و یک تجربه ملی شدن صنعت نفت را. در این دو، مردم حضور داشتند، شرکت

یکی از اجزای هسته مرکزی انقلاب اسلامی همین اراده الهی است و رهبر انقلاب بنا بر حفظ و رشد این اراده الهی را دارند که نمود رشد این اراده الهی در حزب‌الله لبنان و انصارالله یمن و... مشهود است.



داشتند؛ عامل پیروزی هر دو نهضت، مردم بودند؛ ولی از مردم جدا شدند. در نهضت مشروطیت، انگلیس‌ها با مکر و کلک خودشان، با حیله و خدعه‌ی خودشان، آمدند بر امواج مشروطیت سوار شدند، مردم و رهبران مردمی را کنار زدند؛ مشروطیت سر از قلدری رضاخان درآورد.
(بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع عظیم مردم کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۰)

نکته ۲: هویّت شیعی اراده و قیام مردم ایران

ایـن اراده و قیـام مـردم ایران یک حادثه گذرا نیسـت، بلکه دارای هویّتی تاریخی اسـت.آنچه اهمیّت موضوع را بالا می‌برد رفتار تمدنی منضبط و کم هزینه مردم ایران است. این مهم نشان دهنده تغذیه رفتار از یک باطن برخوردار و ریشه‌دار می باشد.

اراده و قیـام مـردم ایران هویّت شـیعی داشـته و دارد؛ یعنی انقلاب از هویّت شـیعی مـردم ایران که محصـول سـال‌ها کار تربیتی روی این مردم اسـت ارتـزاق می‌نماید؛ قرن‌های متمـادی این هویّت با دقت معماری شـده و نگاه با عظمت مرحوم امام در متوجه شـدن خواسـت مردم ایران بر همین مبنا بوده است.

عنصر هویّت اخیراً توسط اندیشمندانِ غربی (مثل فوکویاما[1]) نیز مورد توجه بیشتری قرار گرفته است، عنصری که رهبر معظم انقلاب مکرّراً به آن اشاره نمودند:

۱. فوکویاما در گذشته معتقد بود دموکراسی مردم را راضی می‌کند، اما اخیرا در کتابی که به نام هویت به چاپ رسانده است، نظرش اینگونه تغییر کرده که هویت مردم را راضی نگه خواهد داشت.

«جوان را باهویّت بار بیاورید. اگر جامعه‌ای احساس هویّت نکرد، صداهای بلند تحکّم‌آمیز، راحت او را مغلوب خواهد کرد. آن که ایستادگی می‌کند، آن کسی است که احساس هویّت می‌کند؛ حالا این هویّت، گاهی هویّت ملّی است، گاهی هویّت دینی است، گاهی هویّت انسانی است، شرف است؛ هرچه؛ با هویّت باید بار بیایند. خوشبختانه امروز جامعه اسلامی ـ ایرانی ما یک هویّت ریشه‌دار و تاریخی و قوی و قابل استقامتی دارد که این را نشان هم داده؛ این را به جوانمان بایستی منتقل بکنیم»[1]

«آنچه مهم است، حفظ هویت جمعیِ یک ملت یا یک مجموعه انسانی است، زیر هر نامی. هویت ایرانی - اسلامی مردم ما و ملت ما، به برکت انقلاب اسلامی، به برکت حضور مردم در صحنه و دخالت و شراکت مردم در مسائل اساسی نظام، یک واقعیت جاافتاده است. امروز دنیا ملت ایران را به مسلمانیِ همراه با آگاهی و بصیرت و پیشگامی و پیشرفت در میدان‌های مختلف می‌شناسد؛ این چیز کمی نیست.»[2]

همچنین در جایی دیگر ایشان به مرزبندی هویّت ایمانی با هویّت کفر و طاغوت اشاره میکنند:

« فرمود: «فَمَن یَکفُر بِالطّاغوتِ وَ یُؤمِن بِاللهِ فَقَدِ استَمسَکَ بِالعُروَةِ الوُثقی لَاانفِصامَ لَها»[3]؛ این یک معرفتی است، این یک اصل است؛ کفر به طاغوت و ایمان به خدا. یعنی ما همه عالم وجود را تقسیم می کنیم به دو قسمت: یک قسمت منطقه نفوذ طاغوت است، باید به آن کفر ورزید؛ یک قسمت منطقه نفوذ الله است، باید به او ایمان آورد، باید او را باور

---

۱. بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها، ۱۳۹۷/۳/۲۰.
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در اجتماع مردم پاوه، ۱۳۹۰/۷/۲۵.
۳. بقره، آیه۲۵۵.

کرد؛ هویّت ایمانی در مقابل هویّت کفر. این به معنای این نیست که ما دائم بایستی با هر کسی که در هویّت کفر است بجنگیم؛ این معنایش مقاتله نیست؛ این معنایش عدم ارتباط هم نیست؛ این معنایش [عدم] تبادل معلومات هم نیست؛ این معنایش استقلال هویّت ایمانی و مرزبندی هویّت ایمانی است تا [انسان] بتواند در مقابل هویّت طاغوت و هویّت کفر، خودش را حفظ کند، نگه دارد، تکمیل کند، رو به پیشرفت حرکت کند.

امروز گرفتاری امّت اسلامی در چیست؟ در تسلّط فرهنگ غربی بر او است، در تسلّط اقتصاد غربی بر او است، در تسلّط سیاست غربی بر او است؛ گرفتاری‌ها اینها است. امروز در بسیاری از کشورهای اسلامی چیزی به نام هویّت اسلامی وجود ندارد؛ بله، مردم مسلمانند، نماز هم می‌خوانند، روزه هم می‌گیرند، شاید زکات هم می‌دهند امّا مجموعه جامعه، هویّت اسلامی ندارد؛ یعنی یک شخصیّتی، یک حقیقتی قرار گرفته در مقابل حقیقت کفر و حقیقت طاغوت وجود ندارد. لذا شما می‌بینید آنها دخالت می‌کنند؛ در فرهنگِ اینها دخالت می‌کنند، در باورهایشان دخالت می‌کنند، در اقتصادشان دخالت می‌کنند، در روابط اجتماعی‌شان دخالت می‌کنند، سیاست‌هایشان را در مشت می‌گیرند. آن‌وقت نتیجه این می‌شود که چون درون مجتمع اسلامی و امّت اسلامی هویّت واحدی وجود ندارد، دعوا به وجود می‌آید، جنگ به وجود می‌آید، تنافر به وجود می‌آید، عدم تفاهم به وجود می‌آید؛ این [جوری] می‌شود. امروز دنیای کفر درصدد مضمحل کردن و نابود کردن این هویّت است؛ هرچه از این هویّت در هر نقطه‌ای از دنیا باقی مانده، این را می‌خواهند از بین ببرند. این یک اصل اسلامی است؛ فَمَن یَکفُر بِالطّاغوتِ وَ یُؤمِن بِاللهِ فَقَدِ استَمسَکَ بِالعُروَةِ الوُثقی لَاانفِصامَ لَها وَ اللهُ سَمیعٌ عَلیم؛ این یک حقیقت است. این حقیقت را

اگر چنانچه ما درست بفهمیم، آن را دنبال کنیم، آن را به‌صورت یک فهم عمومی در جامعه اسلامی و امّت اسلامی دربیاوریم، شما ببینید چه تحوّلی اتّفاق می‌افتد! شما ببینید همین یک حقیقت، که صدها حقایق ازاین‌قبیل در قرآن وجود دارد، چه تحوّلی در دنیای اسلام به وجود می‌آورد! اگر همین یک امر را، همین یک معرفت را درست بفهمیم و باور کنیم و گسترش بدهیم، ببینید چه اتّفاقی می‌افتد!

قرآن را باید فهمید؛ ما دوریم از قرآن. از این دوریِ ما از قرآن، دشمن دارد استفاده می‌کند. دشمن روزبه‌روز در ما بی‌ایمانی را تزریق می‌کند، لاابالی‌گری را تزریق می‌کند، وابستگی به خود را تزریق می‌کند. نگاه کنید به دولت‌های اسلامی، نگاه کنید به کشورهای اسلامی، ببینید در مقابل آمریکا، در مقابل صهیونیسم، در مقابل دشمن، در مقابل غارتگران چه وضعی دارند! این ناشی از دوری از قرآن است. ما اگر به قرآن نزدیک بشویم، همه این حفره‌ها پُر خواهد شد؛ همه این خُلل و فُرَج بسته خواهد شد؛ هویّت اسلامی در مقابل هویّت کفر خودش را نشان خواهد داد.»[1]

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم شب خاطره دفاع مقدس، ۱۳۹۶/۳/۳.

نکته ۳: مسئولیت تاریخی اثاره هویّت شیعی

وظیفه کلیدی ما بازشناسی درست این هویّت شیعی و سرمایه گذاری درست و دقیق در جهت اثاره و انبعاث و بر انگیختن آن می‌باشد.

برخی اقداماتی که جبهه انقلاب بدان مشـغول می‌باشـد، مفید به حال این ضرورت راهبردی نبوده، بنابراین بایستی اصلاح شوند.

تمام پروژه‌های فرهنگی که تا کنون به نتیجه نرسیده است، به دلیل همین غفلت بوده که ما به ظرفیت شیعی مشترک بین مردم ایران توجه نداشته‌ایم و بر این هویت تاریخی، طرح‌ها را استوار نساخته‌ایم. اگر امثال سـردار سـلیمانی‌ها به عنوان یک نیروی نظامی در ایران حرف‌ها و امورات فرهنگی‌اش زود بازدهـی می‌دهـد و بدنه اجتماعی ایـران را با خودش همراه می‌کند، به دلیل توجه به همین ظرفیت اسـت و اتفاقا پروژه‌های فرهنگی ایران نیز که با همراهی و اسـتقبال مردم ایران مواجه شده است، به دلیل رعایت اثاره هویت شیعی در آن بوده است. هر میزان مردم ایران متدین تر شوند انقلاب پیشروتر است و در این تقویت ایمان می‌توان پیاده‌روی اربعین را آبیاری مجدد این هویت دانست.

نکته ۴: «آتش به اختیاری» ظهوری از دعوت به «قیام لله»

دعوت به «آتش به اختیاری» همان دعوت به «قیام لله» است. زیرا که انقلاب اسلامی چیزی جز قیام لله مردم نبود، همان قیام للّهی که معجزه بر پا می‌کند.

در واقع دعوت به «آتش به اختیاری» تنها مربوط به زمانی نیست که فرماندهی دچار اختلال شده باشد، بلکه یک دعوت پایه و مادر در مکتب پیروز امام خمینی است.

وقتی ستاد فرماندهی دچار اختلال نباشد، خود او باعث قیام لله می‌شود و اگر دچار اختلال شد این دعوت خود را به صورت «آتش به اختیاری» نشان می‌دهد.

به تعبیری دیگر اصل این دعوت به قیام مذموم نیست، بلکه این دعوت به دلیل اختلال در ستاد فرماندهی خود را به قالبی دیگر نمایان ساخته است. این مقوله اوج کارآمدی یک نظام را نشان می‌دهد، نظامی که عمیقاً متکی به قیام لله مردم می‌باشد، تا مردم در صحنه باشند هیچ مانع و مکر و فتنه طاغوت نمی‌تواند در برابر اراده مردم ایجادِ انسداد کند. تا مردم در صحنه هستند و پیوند امت و امامت برقرار است وعده صادق غلبه حزب الله بإذن الهی محقق است، همچنان که حق سبحانه در قرآن می‌فرماید:

«وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»[1]

۱. سوره مائده، آیه ۵۶

نکته ۵: نظام انقلابی؛ نظام امت و امامت

ایران اسلامی مشغول زایش و معماری یک نظام سیاسی جدید مبتنی بر اراده مردم است.

«انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بااراده، همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است، امّا تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حسّاسیّت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد، امّا به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد.

انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از «نظریّه نظام انقلابی» تا ابد دفاع می‌کند.»[1]

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب تمام الگوهای دموکراسی دروغین است، اما در مقابل، مردم‌سالاری دینی که ره‌آورد مکتب امام است هم عمیق است و هم صادقانه.[2]

---

۱. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با مردم قم، ۱۳۹۶/۱۰/۱۹.

این مردم‌سالاری عمیق و واقعی است که معمول مکاتب سیاسی دموکراسی‌گرا از ارائه تصویر آن عاجز بوده‌اند و این همان نظام امت و امامت است.

نظام اسلامی ماهیتی جز قیام مردم نداشته و متکی به قیام لله مردم است؛ به عبارت دیگر نظام اسلامی وابسته به قیام مردم بوده و مردم باید پای کار باشند تا نظام اسلامی به صورت نو به نو ببالد. تعبیر «پشتوانه نظام اسلامی، هیچ کس جز انبوه توده‌های عظیم ملت ایران نیست»[1] از همین روست؛ البته رهبر انقلاب اعتماد به مردم را در راستای اعتماد به خداوند دانسته و اراده الهی مردم را مظهر اراده حق تعالی می‌دانند. شاید بتوان گفت اگر ستاد فرماندهی اختلال نداشت، این قیام ظهور «**أن تقوموا مثنی**» بود، ولی اگر اختلال داشت مظهر «**أن تقوموا فرادی**» است؛ «**فرادی**» یعنی آتش به اختیار که در مقابل آتش به فرمانی قرار می‌گیرد.

به طور پایه ستاد فرماندهی مأموریتی جز بسترسازی برای قیام لله مردم ندارد، اما نکته مهم این است که اصالت با قیام للّهی است که از سمت ستاد فرماندهی کلید بخورد. اگر بین ولی و مردم، حلقه واسطی نبود و خواص اهل حق، مسئولیت خویش را که تبیین امر و فرمان ولی برای مردم می‌باشد انجام ندهند، در این صورت آتش به اختیاری جایگزین آتش به فرمانی می‌شود.

یکی از ضرورت‌های نظام انقلابی وجود عاقله نخبگانی انقلابی راهبر به عنوان حلقه واسطی بین ولی فقیه به عنوان فرماندهی نهضت و مردم می‌باشد، لکن در طول چهار دهه گذشته این امر مهم با نارسایی‌های قابل توجهی همراه بوده است. بیانات رهبر معظم انقلاب در تبیین جایگاه خواص در سال ۱۳۷۵ نیز در راستای تبیین همین ضرورت بوده است.[2]

---

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۱/۱۱/۲۸.

۲. خواص، طبعاً دو جبهه‌اند: خواصِ جبهه حق و خواص جبهه باطل. عدّه‌ای اهل فکر و فرهنگ و معرفتند و برای جبهه حق کار می‌کنند.

نکته ۶: گفتمان پیشرفت

پیشرفت و تمدن‌سازی یک هدف اصلی است و تمدن‌سازی دو چهره سخت و نرم را در خود دارد. از چهره سخت آن می‌توان علم و هنر و تکنولوژی و از چهره نرم آن سبک زندگی و فرهنگ را می‌توان نام برد.

ایران انقلابی پروژه‌ای مهم‌تر از «پیشرفت» و «ساخت ایران الگو» ندارد. کشور ایران پیشرفت را ذیل «الگوی پیشرفت اسلامی ـ ایرانی» دنبال می‌کند.

به همین جهت ابرپروژه رهبر معظم انقلاب و نقطه اساسی در «طرح راهبردی رهبری» مشخص شدن «الگوی پیشرفت اسلامی ـ انقلابی» و فراگیر شدن «گفتمان پیشرفت» و عزم و بسیج ملی برای اقدام

فهمیده‌اند حق با کدام جبهه است. حق را شناخته‌اند و براساس تشخیص خود، برای آن، کار و حرکت می‌کنند. اینها یک دسته‌اند. یک دسته هم نقطه مقابل حق و ضد حقّ‌اند. اگر باز به صدر اسلام برگردیم، باید این طور بگوییم که «عدّه‌ای اصحاب امیرالمؤمنین و امام حسین علیهما السلام هستند و طرفدار بنی‌هاشم‌اند. عدّه‌ای دیگر هم اصحاب معاویه و طرفدار بنی‌امیّه‌اند.» بین طرفداران بنی‌امیّه هم، افراد با فکر، عاقل و زرنگ بودند. آنها هم جزو خواصند. پس خواصِ یک جامعه، به دو گروه خواصِ طرفدار حق و خواصِ طرفدار باطل تقسیم می‌شوند. شما از خواصِ طرفدار باطل چه توقّع دارید؟ بدیهی است توقّع این است که بنشینند علیه حق و علیه شما برنامه‌ریزی کنند. لذا باید با آنها بجنگید. با خواصِ طرفدار باطل باید جنگید. این که تردید ندارد.

(بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله، ۷۵/۳/۲۰)

ذیل الگوی پیشرفت است.

جایگاه سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به لحاظ اولویت و اهمیت در بین نقاط اصلی و اولویت دار حکومت اصلی به شکل زیر است:

۱. قرآن و سنت

۲. قانون اساسی

۳. الگوی پیشرفت اسلامی

رهبر معظم انقلاب معتقدند که قانون اساسی به عنوان یک میثاق ملی قادر است که تمام تابوهای غرب را در منطقه نابود کند. منش ایشان نشان می‌دهد هر چیزی که مطابق قانون اساسی باشد، قطعاً موجبات آرامش خاطر سران حکومت اسلامی را در پی خواهد داشت.

اکنون ذیل قانون اساسی در گام دوم، کشور ایران نیازمند یک الگو برای پیمودن پله‌های ترقی و پیشرفت است و مقام معظم رهبری این مهم را از طریق نگاشت سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دنبال کرده‌اند. راه رسیدن به این الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تأسیس گفتمان[1]، پیشرفت در میان نخبگان و سپس در بین عموم مردم است و بدین وسیله الگوی پیشرفت محقق خواهد شد.

۱. توجه به این نکته نیز ضروری است که گفتمان، یک اندیشه فراگیر است که از آن یک مطالبه فراگیر تولید شده و سپس این مطالبه فراگیر آن قدر بر سر زبان ها زمزمه شود تا به اجرای مطالبه برسد. گفتمان، بخشی از فرهنگ است و از اقتدارات بالایی برخوردار است. سرشت‌مایه گفتمان خواست و اراده است و با زبان و بیان خودش را نشان می‌دهد.

نکته ۷: قیام جوانان برای ساختن کشور دال مرکزی مأموریتی بیانیه گام دوم

جوهره خواسته و مطالبه رهبری از جوانان در بیانیه گام دوم «قیام برای ساختن کشور» است. نقش جوانان در فراگیری گفتمان پیشرفت و تحقق سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت جدی است، چرا که طبیعت جوانی سرشار از امید، ابتکار، صراحت، خطرپذیری و خستگی ناپذیریست.

به واسطه این قیام و حرکت عمومی جوانانه باید «نهضت بزرگ خدمت‌رسانی» شکل بگیرد. مراد از خدمت در این بحث صرفاً تأمین مایحتاج مردم نیست؛ بلکه مهم‌ترین بخش خدمت «وادار کردن مردم به قیام برای برآوردن حوائج مشروع خود» و در گام برتر «قیام مردم برای خدا» است. به عبارت دیگر مهم‌ترین مسئولیت جامعه جوان کشور احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت خویش و جامعه خویش و همچنین پراکندن عطر خوش احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت جامعه اسلامی در میان عموم مردم می‌باشد.

ندا و دعوت نبی مکرم اسلام ﷺ خطاب به امت صدر اسلام برای امروز ما نیز درس بزرگی است:

«أَلَا كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِه»[1]

۱. صحيح البخاري، كتاب الجمعة (۱۱) باب الجمعة في القرى و المدن، مسند أحمد بن حنبل ۲: ۵.

این همان دعوتی است که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم فرمودند:

«دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شمایید که باید کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدّن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است، نزدیک کنید.»[1]



۱. بیانیه گام دوم

نکته ۸: نقش نخبگان و حوزه علمیه

وظیفـه نخسـتین نخبـگان و حـوزه علمیـه درک مأموریّت نـام برده[1] همـراه با عقبه فکـری و غنای راهبردی آن است. در ادامه وظیفه نخبگان و طلاب جوان ورود در امر تبیین این مأموریت برای خیل عظیم جوانان انقلابی جهت انجام این مأموریت تاریخی و نیز هدایت ایشـان در برپایی یک رسـتاخیز تاریخ‌ساز می‌باشد.

به عبارت دیگر نخبگان و طلاب جوان می‌بایسـت نقش حلقه‌های میانی مورد مطالبه در سـخنرانی ۱ خرداد ۹۹ را ایفا کنند.

حلقه‌های میانی موظف‌اند:

- **صحنه را بشناسند و بشناسانند؛**
- **حرکت عمومی جوانان به سمت برپایی تمدن نوین اسلامی را جهت‌دهی و هدایت کنند؛**
- **عوامل امیدبخش را برای جوانان روایت کنند؛**
- **نهایتاً راهکارهای عملی مطلوب را به ایشان ارائه نمایند.**

---

۱. اشاره شده در نکته هفتم

تحقق موارد نامبرده هم نیاز به تبیین و هدایت دارد، پیگیری و فعّالیّت پی در پی لازم است؛ مهمترین ابزار تبیین، پدیده گفتمان می‌باشد؛ به واسطه گفتمان‌سازی اقتدار و بستر لازم برای تحقق عزم فراگیر ملی فراهم خواهد آمد.

به تعبیر روشن‌تر بسیج اراده ملی، حول محور تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با گفتمان‌سازی محقق خواهد شـد و مأموریت الزامات ایجاد حرکت گفتمانی می‌تواند، جزو موضوعات دارای اولویت حوزه باشد. هم چنین از وظایف دیگر حوزه در این عرصه تربیت نخبگان مؤثر، برای نقش‌آفرینی و عملیاتی‌سازی الگوی اسلامی پیشرفت است؛ حوزه این ظرفیت را دارد که، ساماندهی شبکه و حلقه‌های میانی و خودجوش را برای مواجهه درست با موضوع الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به عهده بگیرد.

نکته ۹ : دولت‌سازی اسلامی و مردم‌سالاری دینی

دعوت به قیام جوانان برای ساختن کشور، پدیدآور یک حادثه بزرگ سیاسی اجتماعی است. به عبارت دیگر جامعه ایران مشغول زایش یک حادثه تاریخی در عرصه حکمرانی می‌باشد.

قلب حاکمیت نوین اسلامی مردم‌سالاری دینی می‌باشد و حقیقت مردم‌سالاری دینی چیزی جز قیام لله نیست. دعوت به قیام جوانان برای ساختن کشور یعنی دعوت به ایجاد یک حرکت عمومی برای حل کردن مسئله‌های تمدنی این کشور در مسیر دستیابی به دولت اسلامی.

دولت‌سازی اسلامی مانند مراحل دیگر انقلاب اسلامی محصول فاعلیّت و اراده مردم است. این مردم هستند که باید به پا خیزند و مطالبه کنند و در راستای اهداف خویش بر موانع و چالش‌ها فائق آیند. اراده و قیام جوانان چهره بانشاط و امروزین عزم و اراده ملّی می‌باشد.

چنانچه حرکت عمومی جوانان برای ساخت کشور با یک آهنگ مطلوب، پویش‌ها و فعّالیّت‌های خویش را پیش ببرد، نتیجه آن کشاندن نسل جوان متعهّد به عرصه مدیریت کشور می‌باشد. این سخنی است که رهبر معظم انقلاب در سخنرانی اول خرداد ۱۳۹۹ در تبیین و شرح بیانیه گام دوم بیان فرمودند:

«بنابراین، اگر چنانچه ان‌شاءالله شما جوان‌ها با این حرکت‌ها پیش بروید و زمینه را برای روی کار آوردن یک دولت جوان و حزب‌اللهی آماده کنید، بنده معتقدم که بسیاری از این نگرانی‌های شما و دغدغه‌های شما و غصّه‌های شما پایان خواهد پذیرفت؛ این غصّه‌ها هم البتّه فقط مخصوص شماها نیست.»

نکته ۱۰: طرح مواسات؛ نمونه‌ای از قیام و یک سنت اسلامی

طرح مواسات یک نمونه از این قیام است. برای دریافت عمیق‌تر در باب این قیام ضرورت دارد تبیینی از مفهوم مواسات داشته باشیم:

مجمع‌البحرین درباره لغت «أسی» آمده است:

أَسِيَ أسًي ـ من باب تعب: حَزِنَ، فهو آسٍ أي حزين.

وَ فِي الْحَدِيثِ: «مُوَاسَاةُ الْإِخْوَانِ» و هي مشاركتهم و مساهمتهم في الرزق و المعاش. قيل: و لا يكون إلا عن كفاف لا عن فضلة.

و «تَأَسَوْا» أي آسَي بعضُهم بعضا.

یعنی غم‌زده شد، پس او غمگین است.

مواسات برادران یعنی مشارکت و سهم‌پذیری آنها در رزق و معاش

سهم‌پذیری از کفاف زندگی نه زیادی زندگی(یعنی متن نه حاشیه)

«تَأَسَوْا» یعنی نسبت به هم همدلی کردند.

در کتاب التحقیق فی کلمات القرآن نیز آمده است :

یدلّ علي المداواة و الإصلاح.

یقال: أسوت الجرح إذا داویته، و لذلك یسمّي الطّبیب الآسي.

دلالت بر درمان و اصلاح دارد.

وقتی گفته می‌شود «أسوت الجرح» یعنی زخم را درمان کردم لذا به طبیب می گویند «آسی»

در مواسات حزن و غم‌گساری و گرفتاری عاطفی هست. کما این که در مواسات درمان و ترمیم و اصلاح نیز هست. همچنین مواسات به معنی داخل کردن برادر دینی در رزق خویش هست.

مواسات مصدر باب مفاعله و مفاعله بیانگر امری تعاملی است. مواسات یک پدیده بین‌الافرادی است ولو یک طرف در حق دیگری اعمال کند. از همین نکته می‌توان برداشت کرد که حتی پذیرش طرف مقابل هم داخل در مواسات است. یعنی او هم از باب مشارکت در این کار عاطفی و روحی مواسات برادر خویش را می‌پذیرد نه از روی بیچارگی و ... به عنوان مثال وقتی دو نفر هنگام بالارفتن از یک کوه همدیگر را گرفته‌اند، گاهی این آن را نگه‌می‌دارد و گاهی آن، این را. بنابراین هیچگاه از این حسّ دو طرفه خارج نمی‌شوند.

اساساً فرهنگ مواسات نمی‌گذارد روابط برادران دینی از مدار کرامت و مهرورزی و در کنار هم بودن و برای هم بودن، به مدار تلطّف و ترحّم و ... کشیده شود.

مواسات مقدّم کردن غیر بر خود نیست، بلکه به معنای رسیدن به وحدت با برادر دینی است، از این رو انفاق، برابری و ایثار جزء جلوه‌های آن است.

بنابراین مواسات یعنی همدردی و غمخواری؛

مواسات یعنی ایستادن پای آباد شدن زندگی برادر دینی.
مواسات یعنی غم‌خواری معطوف به عمل؛
مواسـات یعنی نوعی ترمیم‌گری و اصلاح امور زندگی برادر دینی از روی غم‌خواری و همدلی و یکی دیدن جان خود با او؛
مواسات یعنی به وحدت رسیدن با برادر دینی تا پشتیبان او باشیم.
اخوان مواسـی غمخوار، ترمیم‌گر، پشـتیبان و شـریک سـختی‌های زندگی یکدیگر هسـتند. شـاید جامع‌ترین و نیرومندترین معنا برای مواسات «**برای هم بودن**» باشد.

نکته ۱۱: اخوّت، مواسات الاخوان و ولایت ایمانی / نظام‌سازی

۱. تأکید شد که مواسات به معنای «برای هم بودن» است؛

۲. با این بیان می‌توان گفت مواسات از «اخوّت» که ابتدائا یک توصیف است می‌رویَد؛

۳. اخوّت شبیه یک امر اصیل و ریشه‌ای و ثبوتی و بنیادین برای بسیاری از احکام است؛
یعنی اخوّت یک نوع خاصی از رفتار نیست، بلکه جان یکی بودن است، بودنی که در تکوین آدمیان هست و باید به آن پی برد و باید آن را پذیرفت؛

۴. اخوّت ریشه در مفاهیم عمیق هستی شناختی دارد، از جمله فطرت؛

* **در فکر و فرهنگ شیعی اخوت در هم خونی و خویشاوندی یا مفهوم عاطفی برادری خلاصه نمی‌شود.**
* **در این فرهنگ معرفتی، اخوت یک پایگاه وجودی دارد و به همین واسطه است که اگر نگوییم همه بشـر، بلکه دسـت کم مؤمنان همدیگر را جان یکی می‌بینند. «انما المؤمنون اخوة»[1]**
* **غفلت از این اشتراک‌های عظیم امری ممکن و حتی رایج است. همچنان که امام خمینی می‌فرماید: «از امور معجبه آن است که با اینکه در فطریات احدی اختلاف ندارد. از صدر عالم گرفته تا**

---

۱. احزاب، آیه ۱۰.

آخر آن. ولی نوعاً مردم غافل‌اند از اینکه با هم متفق‌اند و خود گمان اختلاف می‌نمایند، مگر آنکه به آنها تنبّه داده شـود، آن وقت می‌فهمند موافق بودند در صورت مخالفت. به همین معنی اشاره شده است در ذیل آیه شریفه که می‌فرماید: «و لکن أکثر الناس لا یعلمون.»[1]

۵. مواسات از «اخوّت» تغذیه می‌کند و مشتق اوّل آن حساب می‌شود؛

*** این مشتق اول نازله اخوت است در ساحتی آمیخته با عواطف و کنش‌های اجتماعی.**

۶. لذا کسانی که خود را برادران هم می‌دانند مهم‌ترین حس‌شان این است که «برای همدیگرند»؛

*** این مشتق فوق‌العاده نیرومند است و از آنجا که از حس برادری تغذیه می‌کند حسی عمیق محسوب می‌شود.**

۷. مشتق بعدی اخوّت که گویا مثل مظهر اسم جامع الله می‌ماند «ولایت» است (مظهر اسم جامع الله)؛

*** از اخوّت و مواسات ولایت می‌جوشد؛**

*** ولایتی که سرشت مایه آن اخوّت و مواسات باشد، با حاکمیّت خشک تفاوت دارد؛**

*** ولایتی که به معنای سرپرستی است، تعبیر نیرومندی از مفاد آن ممکن نیست؛**

*** ولایت به معنای نوعی تکفّل است(چهره عملیاتی‌تر مواسات و «برای هم بودن»)،**

*** ولی نه با به دوش گرفتن که نافی اراده برادر باشد،**

*** بلکه با در کار او بودن و قوام او بودن و تکیه‌گاه زندگی او شدن؛**

۸. ارکان چهارگانـه «انـس»، «کمـال»، «عـون» و «عـزّت» ارکان ولایت هسـتند[2]، (ولایتی که جلوه تفصیلی و چهره اجتماعی اخوّت و مواسات است)؛

---

۱. شرح چهل حدیث ص ۱۸۱

۲. مانند اسماء أوَل

«این عناصر امّهات به حسب معاش و معاد نوامیس عالم بشریت می‌باشد و از این جهت در فطرت، محبوب است و حفظش لازم خواهد بود؛ یعنی انسان انس طلب، کمال‌خواه، عزت‌پسند و عون جوی، تحمل قرآن نموده که توسط آن، مقاصد چهارگانه خود را اداره نماید تا به سعادت دنیوی و اخروی نایل گردد.»[1]

* **برادر کسی است که به جهت وفاق و یک‌رویی با تو انس بگیرد.**
* **به جهت اتحاد و یگانگی، تکمیل تو و رفع جهل و نقص از تو بنماید.**
* **به جهت فروتنی و تواضعش، تو را عزیز دارد.**
* **به جهت فتوت و جوانمردی و بزرگی همتش، تو را مساعدت نماید؛ چنانچه در آخر روایت به جمع خصال اشاره فرموده: «أن لایسلمک عند النکبات»[2]؛ یعنی برادر کسی است که تو را در هیچ گرفتاری و نکبتی، در انفراد و جهل و حاجت و غیرها وانگذارد. فلذا چنانچه بخواهیم به صورت مختصر یک جمع‌بندی از بحث ارائه دهیم باید گفت:**

اخوت: یعنی همچون یک جان بودن/ با هم یکی بودن؛
مواسات یعنی برای هم بودن؛
ولایت: یعنی با انس، کمال، عزت و عون در کار هم بودن.
در این میان فقیه از ولایت بیشتری برخوردار خواهد بود، زیرا ظرفیّت بیشتری برای برادری دارد. چون عارف به مقاصد شریعت است.

---

۱. شذرات المعارف
۲. خصال، ج۱، ص۲۷۷.

نکته ۱۲: خانواده‌محوری؛ نقش زنان و خانواده در رزمایش مواسات

در این میان نقش زنان و خانواده در پیگیری این عزم بزرگ بسیار مؤثر است. توجه به خانواده به عنوان حامل رسالت مواسات برکات بسیاری دارد:

بسیاری از خانواده‌ها مشغول زندگی هستند و عملاً پروژه دینی یا انسانی ندارند که همه با هم دنبالش باشند. اگر مواسات ملموس شود و با عناوین متعدد ملی و دینی پیوند بخورد، اقدامی عالی برای مسئول کردن خانواده‌ها خواهد شد.

به این واسطه نقش بانوان که در واقع معماران تمدن نوین ما[1] هستند بارز می‌شود.

اگر بشود مواسات را از رهگذر مسئولیت اجتماعی وارد عرصه‌های متعدد حیات اجتماعی کنیم، عملاً بزرگترین مدرسه فرزندان ایران اسلامی خواهد شد که به مراتب سودمندتر از مدارس فعلی است.

شیطان از دور کردن انسان‌ها از همدیگر سود می‌برد و اگر به صورت جداگانه باشد بر آنها غالب می‌شود. در این طرح با جدی شدن صله رحم به صورت جوهری و نه صرفاً صوری، بزرگترین لطمه به طرح معاصر شیطان می‌خورد.

---

۱. معمار در تعبیرات رهبر انقلاب به معنای پیاده‌کنندگان طرح است.

با این الگو مواسـات به یک پویش مردم پایه و تفریح واقعی خانوادگی تبدیل شـده و به این واسـطه عقل ملی برای راهیابی فعال می‌شود و قطعاً معجزه خواهد شد. البته باید توجه داشت که واحد یک خانواده به عنوان سلول بنیادین تشکیل جامعه اسلامی، متشکل از پدر، مادر و فرزند است و از شبکه خانواده‌های مرتبط، خاندان شکل می‌گیرد.

همچنین برای فعال کردن خیل عظیم خواهران می‌بایست ظرفیت حوزه‌های علمیه خواهران و نیز اداره کل خواهران سازمان تبلیغات برای این مهم به کار گرفته شوند.

نکته۱۳: تثبیت طرح مواسات از خانواده جهادگران

مقام معظم رهبری تأکید فرمودند گفتمان جهادی را در جامعه ترویج کنید، پس اگر طرح رزمایش مواسات به عنوان یک جهاد در خانواده جهادگران تثبیت نشود چگونه می‌تواند فراتر از خانواده خودشان نقش‌آفرین باشد؟!

همه دستگاه‌ها از سپاه گرفته تا بنیاد مستضعفان باید یک نقطه عزیمت و نهاد برای پایدار شدن مواسات شناسایی کنند، گفتنی است اگر قرار باشد برای این امر، نهاد پایه‌ای بخواهد جز خانواده مشخص شود(مانند محله)، این نهادها به خودی خود، اعتبارشان از خانواده است و در این طرح موضوعیت ندارند.

نکته ۱۴: توسعه در معنا و مصادیق مواسات

می‌توان مواسـات را بر اسـاس ارتکاز ذهنی و رفتار مشـهوری که در این ایام توسـط مردم و نیروهای مخلـص انقلابـی و جهادی رقم خورده اسـت خلاصه کرد. اموری از قبیل جمـع‌آوری صدقات مالی و کالایـی از مـردم و توزیـع آن میان نیازمندان، کمک‌های مسـتقیمی که در عمـران و آبادانی مناطق زلزله‌زده و سـیل‌زده انجام شـد، ایثار و شـفقتی که در حادثه کرونا ازسـوی مردم نسـبت به بیماران کرونایی و مرحومین بیماری کرونا و خانواده‌های ایشان مبذول گشت، همچنین همراهی و مددرسانی و امیدبخشی که به کادر درمانی بیمارستان‌های کرونایی صورت گرفت، نمونه‌های این رفتار هستند.

این خدمات مبارک با همه بزرگی‌شان تنها مصادیق کوچک و اندکی از مواسات هستند و عرصه‌های گسترده متنوعی پیش روی مواسات گشوده شد، باید از ظرفیت گفتمان مواسات و شور و شوقی که حول این معنا در میان مردم شـکل گرفته اسـت در صحنه‌های بی‌شـمار دیگری که نیازمند مواسات هستند، بهره‌مند گشت.

اگر مواسات؛ به معنای به وحدت رسیدن با برادر دینی همدردی و غم‌خواری با او است، اگر مواسات که قرین معنای اخوت است به ایستادگی پای آباد شدن زندگی برادر دینی ترجمه می‌شود، اکنون کدام

عرصه از عرصه‌های زندگی بشر از این روح وحدت و اخوت و مواسات بی‌نیاز است؟
کدام حوزه از حیات اجتماعی انسان می‌تواند بدون این روح برادری و همدردی کار خود را پیش ببرد؟
در منطق اسلامی، گره از کدام بحران بی‌مواسات باز خواهد شد؟
رفع آسیب‌ها و بحران‌های اجتماعی و اقتصادی تا بحران‌های سیاسی و امنیتی، حل مشکلات فرهنگی و آموزشی تا نیازهای روانی و درمانی در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی همه در گرو پایبندی به مواسات ممکن است.
امروز ملت ایران به پاس مجاهدت و استقامتی که ورزیده است، از جانب خدای متعال بیش از پیش به سوی کلید طلایی حل مشکلات ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی راهنمایی شده، این کلید طلایی همان مواسات است.
اینک اگر همه مردم و نخبگان ما پیوندی عمیق با امام امت داشته باشند، باید با منطق مواسات باری دیگر تمام روال‌ها و برنامه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی گذشته خویش را بازبینی کرده و آینده را نیز با این منطق طرح‌ریزی نمایند و البته شگفت‌زده خواهیم شد، آن زمان که با منطق مواسات به امورات این نظام اسلامی نگاه کنیم، چرا که خواهیم دید بسیاری از امور و برنامه‌ها بی‌آنکه اسم مواسات بر سر برگ آنها مهر شده باشد، از روح مواسات جوشیده و برآمده‌اند، زیرا مواسات در منطق انقلاب اسلامی و رهبران آن نه مفهوم تازه و نوظهوری نیست، بلکه معنایی رکین و ریشه‌دار است، اما به واسطه غلبه نگاه و زبان علوم انسانی غربی و نخبگان و مدیران غرب‌آلود، این واژگان و معانی در محیط نخبگان و به تبع آن در محیط‌های عمومی کمتر به چشم آمده‌اند و ما کمتر توانسته‌ایم با این زبان به تبیین بسیاری از باورها و رفتارهای انقلاب و نظام بپردازیم. اکنون که این فرصت فراهم آمده است باید آن را قدر دانست و با این گشایش زبانی به استقبالش شتافت.

در ادامه از باب مشت نمونه خروار به برخی از آن امور اشاره می‌شود:

* **حضور انقلاب اسلامی در فلسطین و کمک به مردم مبارز آن سامان برای نفی و نابودی رژیم اشغالگر قدس نمونه بارزی از مواسات است.**
  ایران انقلابی پای آزادی برادران فلسطینی‌اش در سرزمین قدس ایستاده است.
* **حرکت نفتکش‌های جمهوری اسلامی برای صادرات نفت به سوی کشور ونزوئلا و دور زدن تحریم‌های امریکایی مصداقی از مواسات است و باید بر فراز این کشتی‌ها پرچم مواسات را به اهتزاز در آوریم.**
  ایران اسلامی پای آبادی کشور برادران ونزوئلایی‌اش ایستاده و برادرانه سختی‌هایش را به جان خریده است.
* **حضور سپاه قدس و نیروهای بسیجی انقلاب اسلامی در منطقه غرب آسیا و تجهیز و آموزش برادران عراقی، سوری و لبنانی و تلاش برای تشکیل هسته‌ها و جبهه‌های مقاومت مردمی در این سرزمین‌ها برای مقابله با استکبار داعش خون‌ریز صهیونی نشأت گرفته از مواسات الاخوان اسلامی است.**
  خانواده‌های ایران انقلابی در معیت خانواده‌های انقلابی لبنانی، افغان و پاکستانی، پای نجات خانواده برادران سوری و عراقی‌شان از شر حکومت داعش ایستاده‌اند.
* **زندگی اربعینی که یک دهه است به سبک زندگی دو ملت ایران و عراق و سایر ملت‌های مسلمان اضافه شده، جلوه‌ای از زندگی مواساتی است. اگر مواسات ملت بذول و گشاده دست عراق نبود، این پیاده‌روی تمدنی حسینی پا نمی‌گرفت.**

* رونق تولید و مواسات

اگر روح مواســات در عرصه تولید دمیده شود، و تمام ارکان تولید از سرمایه‌گذار تا مدیر و کارگر صرفاً نه با انگیزه نفع شخصی و منطق اصالت سود و راحتی بلکه با منطق مواسات در این عرصه حاضر شوند، آیا عرصه تولید این گونه فروخواهد ماند؟

آیا نمی‌شود کارخانه و کارگاه تولیدی با همه ارکانش پای تولید و رساندن کالای با کیفیت و قیمت نازل به برادرانش بایستد؟

آیا کسی در ساخت وسیله‌ای برای برادرش از کیفیت استاندارد کالا کم خواهد زد و قمیت را چند برابر حساب می‌کند؟

* مصرف کالای داخلی و مواسات

آیا همدردی و غمخواری با برادری که به دلیل کثرت کالاهای وارداتی از شغل بازداشته شده، جز به این است که با مصرف کالای داخلی، پای مشغولیت او به شغلی آبرومند بایستیم.

آیا برادری می‌تواند از کنار غم چهره خانواده برادر بیکار شده‌اش بگذرد؟

* نمایندگی، قانون‌گذاری و مواسات

اگر هر نماینده مجلســی خود را صرفاً به این عنوان نداند کــه وکیلی از جانب مردم بوده و برحســب قرارداد به تصویب قانون و تأمین ریل برای حرکت قطار خدمات دولتی و قضایی موظف اســت، بلکه در نگاهی مواســاتی، خود را برادر بزرگتر مردم منطقه خویش بداند که خداوند قوت و فرصت بیشتری برای آباد کردن زندگی برادرانش به او بخشیده است، در این صورت با دلسوزی برادرانه پای قانون خوب و نظارت دقیق خواهد ایستاد.

❋ قضاوت ، دادستانی، وکالت و مواسات

در فضای مواساتی، قاضی و دادستان، یا وکیل بیش از حکم عادلانه خویش یا دفاع و اقامه دعوا، نگران پیوند برادری اســت، او می‌داند کــه بی‌عدالتی چگونه همچون موری پایه‌های تخت برادری را می‌خورد و از بین می‌برد.

مواســات برادرانه به او اجازه نمی‌دهد که از حق برادرانش که در چنبره سرمایه‌ســالاران و مفسدان اقتصادی، رانت‌خواران و باندهای رشوه خوار گرفتار شده‌اند بگذرد.

مواســات نمی‌گذارد انسان از آن کسی که پاکی و سلامت و عفت را از خواهران و برادرانش می‌دزدد و دریغ می‌کند بگذرد. او به نام نامی مواسات پای حق برادران و خواهرانش خواهد ایستاد.

❋ روحانیت، تبلیغ اسلامی و مواسات

طلبه را به این عشق و معنا بار می‌آورند که تو وارث انبیای الهی هستی و ارث ایشان علم و تلاش برای هدایت انســان‌ها است. خداوند سبحان انبیائش را از میان کسانی انتخاب کرده است که نسبت برادرانه با قوم خود داشتند.

طلبگی و تبلیغ مواساتی غیر از ان است که در گوشه حجرات حوزوی قدرت و توان استنباطی یافته و درک دقیق از هســتی و کائنات پیدا کرد، ســپس در منبر یا رســاله و مقاله‌ای حکم یا حکمتی را به مردم رســانده شــود. در طلبگی و تبلیغ مواســاتی طلاب همچون هود و صالح و شعیب، برادری از این قوم و طایفه هستند، اما برادری راه یافته که اینک از جانب خداوند مسئولیت دستگیری از برادرانشان را یافته‌اند، درد و غم عاقبت و سرنوشت برادرانشان ایشان را در هدایت برادرنشان حریص کرده است. فشــار و ســختی برادرانشان، همچنین شــقاوت و دوری‌شان از حق بر ایشــان سنگین است. مواسات،

طلاب را پای هدایت و نجات برادرانشان مقاوم و ایستاده نگاه خواهد داشت.

- **مواسات و امر به معروف و نهی از منکر**
- **مواسات و عرصه تولید دانش**
- **مواسات و عرصه کتاب و کتاب‌خوانی**
- **مواسات و شهرسازی**
- **مواسات و سازمان‌ها و ادارات دولتی**
- **مواسات و مدیریت فضای مجازی**
- **مواسات، هیأت امام حسین علیه‌السلام**
- **مواسات و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت**
- **مواسات و تشکیل حکومت اسلامی**
- **مواسات و ولایت فقیه**
- **مواسات و طبابت**
- **مواسات و مسکن**
- **مواسات و فرزندی آوری**
- **مواسات و سبک زندگی**
- **مواسات و تبلیغ تلویزیونی**
- **مواسات و اشرافیت**
- **مواسات و مبارزه با امریکا**
- **مواسات و سازمان جهانی حقوق بشر**

* **مواسات و تبلیغ بین الملل**
* **مواسات و دیپلماسی**
* **مواسات و ...**

بیا تا مونس هم یار هم غمخوار هم باشیم
انیـس جان غم فرسـوده بیمار هم باشـیم
شب آید شمع هم گردیم و بهر یکدیگر سوزیم
شود چون روز دست و پای هم در کار هم باشیم
دوای هـم شـفای هم برای هـم فدای هم
دل هم جان هم جانان هم دلدار هم باشیم
بهم یکتن شویم و یکدل و یکرنگ و یک پیشه
سری در کار هم آریم و دوش بار هم باشیم
جـدائی را نباشـد زهـره تـا در میـان آیـد
بهم آریم سـر بر گرد هم بر گار هم باشیم
حیاه یکدیگر باشـیم و بهر یکدیگر میریم
گهی خندان ز هم گه خسته و افکار هم باشیم
بوقت هوشـیاری عقـل کل گردیم بهر هم
چووقت مستی آید ساغر سرشار هم باشیم
شویم از نغمه‌سازی عندلیب غم‌سرای هم
برنگ و بوی یکدیگر شده گلزار هم باشیم

بـه جمعیـت پنـاه آریـم از بـاد پریشـانی
اگر غفلت کند آهنگ ما هشیار هم باشیم
برای دیده‌بانی خواب را بر خویشتن بندیم
ز بهـر پاسـبانی دیـده بیـدار هـم باشیـم
جمال یکدیگر کردیم و عیب یکدیگر پوشیم
قبـا و جبه و پیراهن و دسـتار هم باشـیم
غم هم شادی هم دین هم دنیای هم گردیم
بـلای یکدیگـر را چاره و ناچار هم باشـیم
بلا گردان هم گر دیده گرد یکدیگر گردیم
شده قربان هم از جان و منت دار هم باشیم
یکی گردیم در گفتار و در کردار و در رفتار
زبان‌ودست‌وپایک‌کرده‌خدمتکارهم‌باشیم[1]

۱. دیوان اشعار فیض کاشانی، غزل شماره ۶۸۹.

اصل قضیه، درست کردن سبک زندگی است؛
رفتار اجتماعی است؛ اخلاق عمومی است؛ فرهنگ زندگی است.
باید در این بخش، ما پیش برویم؛ باید تلاش کنیم.
تمدن نوین اسلامی که ما مدعی‌اش هستیم و دنبالش هستیم
و انقلاب اسلامی می‌خواهد آن را به وجود بیاورد،
بدون این بخش تحقق پیدا نخواهد کرد.

بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی
۱۳۹۱/۰۷/۲۳

جامعه ایمانی مشعر،
محفلی است برای گردآمدن
هیأت‌های کشور.
مشعر چیزی جز اجتماع هیأت‌ها نیست،
جامعه‌ای فراتر از مرزهای نژادی و
تقسیمات جغرافیایی و سیاسی.
اجتماعی ایمانی و توحیدی است

جامعه ایمانی مشعر
۰۲۵-۳۶ ۶۳ ۱۲ ۲۰
۳۰۰۰ ۱۵۴۲
www.۱۵۴۲.org
info@۱۵۴۲.org

که به دنبال ارتباط بیشتر
محبّان سیدالشهدا علیه‌السلام است...
قرار نیست مشعر تولید کند.
قرار است مشعر آیینه تولیدات
و فعّالیّت‌های شما باشد.
اینجا، جای آرم هیأت شماست
که باید در شماره‌های بعد پرش کنید...